



دراسة النحو في النظرية التوليدية (الاسم والفعل أنموذجاً) ❁

دراسة النحو في النظرية التوليدية (الاسم والفعل أنموذجاً)

د . رنا علي مجيد

جامعة بغداد / كلية اللغات / قسم اللغة الفارسية

البريد الإلكتروني Email : ranaalzrejawi75@gmail.com

الكلمات المفتاحية: النظرية التوليدية التحويلية ، النحو الفارسي ، الفكر اللغوي ، الجملة المركبة ، الفعلية ، الاسمية .

كيفية اقتباس البحث

مجيد ، رنا علي ، دراسة النحو في النظرية التوليدية (الاسم والفعل أنموذجاً) ، مجلة مركز بابل للدراسات الانسانية، تشرين الثاني ٢٠٢٥، المجلد: ١٥، العدد: ٦ .

هذا البحث من نوع الوصول المفتوح مرخص بموجب رخصة المشاع الإبداعي لحقوق التأليف والنشر (Creative Commons Attribution) تتيح فقط للآخرين تحميل البحث ومشاركته مع الآخرين بشرط نسب العمل الأصلي للمؤلف، ودون القيام بأي تعديل أو استخدامه لأغراض تجارية.

مسجلة في
Registered ROAD

مفهرسة في
Indexed IASJ

A Study of Grammar in Generative Theory (Noun and Verb as a Model)

Dr. Rana Ali Majeed

University of Baghdad / College of Languages / Department of Persian Language

Keywords : Transformational theory, Persian grammar, linguistic thought, noun, verb.

How To Cite This Article

Majeed, Rana Ali , A Study of Grammar in Generative Theory (Noun and Verb as a Model), Journal Of Babylon Center For Humanities Studies, November 2025, Volume:15, Issue 6.

This is an open access article under the CC BY-NC-ND license
(<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



[This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives 4.0 International License.](http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/)

Abstract

In this study, for the first time, a complete analysis of the position and function of the syntax and the method of displaying the element called the Necrale can be demonstrated and can be found in all the structures containing this element, the role of which has a role as the role of the group has a fragmentation Complete in accordance with the generative rules and especially the minimalist program. As mentioned, the naming of this category as an adjective is merely a practical reason, and there are no semantic, discursive, and applied issues in this naming.

This category, in particular, solves the problems that have arisen in the analysis of the construction of a wide variety of nominal names with numerous lateral affinities, often left out of previously unpublished research. Accordingly, the role of Nerra as the end-core group selects the nominal group as its complement and the complementary group (syntactic clause) or additional adjective groups and attributes as add-ons.

الخلاصة

يتناول البحث بعض الجوانب التحويلية في النحو للغة الفارسية، وهو دراسة تهدف إلى إظهار بعض أهم الجوانب التحويلية وتطبيقاتها في النحو الفارسي والربط بين الفكر اللغوي عند اللائريين ونظريات البحث اللغوي الحديث، وإثراء اللغة بكثير من الآراء والنظريات والتطبيقات والكشف عن هذه الأسس والأفكار لهذه البحوث في اللغة الفارسية وأبحاثها في القواعد المتعلقة





بالاسم و الفعل .تعتمد هذه الدراسة اللغوية التطبيقية على مرتكزات وأسس علم اللغة الحديث ممثلة في إحدى نظرياته المهمة وهي 'النظرية التحويلية التوليدية'. وقد طبقت قواعدها على تراكيب النحو الفارسي .

موضوع هذا البحث هو الجملة الفارسية في أحد أهم أنظمتها وهو نظام الرتبة (Order) وذلك عن طريق التطبيق العلمي للنظرية التحويلية التوليدية على أشكال الجملة المختلفة .ذلك أن ما تم من دراسات في هذا الشأن حتى الان قد لايفي بمقتضيات المفهوم العلمي لمثل هذه الدراسات التطبيقية.

بررسی نحو فارسی از دیدگاه گشتاری

(نمونه ها از گروه های اسمی و فعلی)

مقدمه

بیشتر درباره دستور گشتاری آشنایی پیدا کردیم و گفتیم که ژرف ساخت هر جمله به وسیله قواعد معین و محدودی به نام (قواعد گشتاری) به رو ساخت مبدل می گردد ، بدین ترتیب :

ژرف ساخت - قواعد گشتاری - رو ساخت

همه زبانها گشتارهایی دارند که این عمل را انجام می دهند . به نظر می رسد که گشتارهای مخصوص هر زبان با زبان دیگر فرق دارد اما به هر حال چند عملکردهای گشتاری ممکن است در زبان های مختلف به صورت متفاوت به کار برده شود .

به هر صورت تعدادی قواعد عام گشتاری های عام ، عملکرد مشابهی در همه زبان ها دارند . این گشتارها به ترتیب زیر هستند :

۱. حذف

۲. جابجایی

۳. افزایش

۴. جانشینی (تبدیل - تعویض)

کاملاً لازم به تذکر است که اولین عملکردی که در ژرف ساخت صورت می گیرد معمولاً تلفیق است ، به این صورت که حد اقل دو امر جدا گانه با هم ادغام و ترکیب می شوند و قواعد دیگر که نام برده شد ، هر يك روی ژرف ساخت عمل کنند و این ترکیب و تلفیق را عمیق تر و فشرده تر می کنند .

البته در يك جمله الزاماً همه چهار قاعده بالا به کار نمی روند بلکه فقط قواعد لازم به کار گرفته می شود . تلفیق را هم می توان جزو قواعد مهم ژرف ساختی به شمار آورد.

در صورت عینی جمله ، یعنی گفته به طور پی در پی به واحدهای نحوی کوچکتری تجزیه می شود تا به حقیقت ذهنی و انتزاعی اولیه جمله ، یعنی ژرف ساخت ، دست یافته شود . پس از بحث در قواعد گشتاری زبان فارسی ، اینک نحو زبان فارسی تک تک سازه ها از این دیدگاه مورد بررسی قرار می دهیم .



عناصری که بیشتر تا حدی شناسانده شده اند عبارت بودند از : گروه اسمی ، گروه فعلی ، عناصر صرفی ، متمم و مفعول .
واژه‌های کلیدی : نحو زبان فارسی ، دیدگاه گشتاری ، جمله ی مرکب و جمله ی پیچیده ، جمله ی پیرو اسمی و فعلی .

بررسی نحو فارسی از دیدگاه گشتاری (گروه اسمی)

گروه اسمی ، يك واحد نحوی است که از يك یا چند واژها تشکیل شده و در جایگاه های نحوی زیر به کار می رود :

۱. در جایگاه نهاد : همهء مردم جهان ، صلح و عدالت را طلب می کنند.

۲. در جایگاه وابستهء اسمی : مردم کشوربزرگ ایرانی ،

۳. درجایگاه وابستهء بدلی : رازی ، پزشک و دارو ساز ایرانی ، ...

۴. درجایگاه وابستهء متممی اسمی : کتابی از نویسندهء ایرانی

۵. در جایگاه مفعول صریح : فربیا کتاب من را آورد.

۶. در جایگاه مسند : خسرو برادر فریدون است .

۷. در جایگاه پایهء فعل مرکب : ما برای امتحان تلاش زیادی کردیم .

۸. در جایگاه متمم مفعولی (تمیزی) : همه او را آدم دانایی می شمردند .

۹. در جایگاه متمم قیدی : همیشه در فصل بهار باران می بارد .

۱۰. در جایگاه قید : همیشه فصل بهار باران می بارد .

۱۱. درجایگاه متمم (مفعول غیر صریح) : مطلب را به رامین گفتم.

در گروه اسمی همیشه يك اسم یا ضمیر به عنوان (هسته) یا عنصر اصلی وجود دارد . گروه اسمی ممکن است فقط از يك اسم یا ضمیر که هسته اند تشکیل شده باشد و نیز ممکن است اسم دیگر یا ضمیر و صفت و به همراه هسته به کار رو دکه در این صورت به آنها (وابسته) می گوئیم .
وابسته های اسم عبارتند از :

۱. وابسته های اشاره : این ، آن ، همین ، همان ، چنین ، چنان

۲. وابسته های پرسشی : کدام ، چه ، چند ، چقدر ، چگونه ، چطور و

۳. وابسته های عدد و شاخص : عددها مثل : يك ، دو ، سه ، سومین ، چهارم ، پنج ، ششم

و

شاخص ها مثل : نفر ، تن ، رأس ، جلد ، کیلو ، عدد ، قبضه ، دانه و ...

۴. وابسته های تعجبی : چه ، عجب ، چقدر ، وه و ...

۵. وابسته های مبهم (نا مشخص) : هر ، همه ، هیچ ، هر قدر ، خیلی ، بعضی ، فلان





٦. وابسته های صفتی : خانم ، عمو ، خاله ، تنها ، یگانه ، بزرگ ، خوب ، جوان ، بینا
٧. وابسته های اسمی : مانند (فریبرز) در عبارت (باغ فریبرز ...) و (تهران) در عبارت (شهر تهران ...)

٨. وابسته بدل : مانند (حافظ) در عبارت (شاعر بزرگ این قرن ، حافظ ...)

٩. وابسته متممی اسم : مانند (تهران) در عبارت (محل ای در تهران ...)

١٠. جملهء وابسته (پیرو) : مانند (مه تودیدی) در عبارت (پسری که تو دیدی برادرم بود).

این وابسته ها هم تکرار پذیر هستند و هم این مه برخی پیش از هسته می آیند و برخی پس از آن .

اسم دارای نشانه های صرفی نیز هست . نمودار زیر ، دستگاه نشانه های صرفی را نشان می دهد :

نشانه های صرفی اسم : عام و غیر عام - جنس و نوع و نکره ، معرفه خاص - مفرد و جمع .

لازم به تذکر است که اسم جنس و نوع می تواند نکره یا معرفه باشد ، در این صورت معرفه یا نکره نامیده می شود ، مثلاً :

کتاب خوب است . کتاب : اسم نوع

کتابی خریدم . کتابی : اسم نکره

این کتاب خوب است . این کتاب : اسم معرفه

به هر حال نشانهء اسم جنس (صفر) است ، یعنی هیچ نشانه ای ندارد .

اسم جنس مانند : انسان ، حیوان و ...

اسم نوع مانند: زن ، مرد ، دختر ، گنجشک و

نشانهء اسم معرفه نیز Ø است ، اما ممکن است اسم به وسیلهء وابسته های اشاره (این) و (آن) و یا وابسته اسمی (اسم خاص یا ضمائر شخصی) نیز معرفه شود.

نشانهء نکره /i/ (ی) است ، اما اسم می تواند به وسیلهء (یک) یا (هر) ، که پیش از آن می آیند نکره شود ، در این صورت نشانهء نکره ، قابل حذف نیز هست .

نشانهء مفرد نیز Ø است .

نشانه های جمع فارسی به عبارت زیر هستند :

ان : (با اسم جانوران)

ها : (با همهء اسم ها)



گان: (با مار برد محدود و به مفهوم مجموعه ای از واحده و کوارد یکسان ، مانند : صدگان ، دهگان)

جات : (با ماربرد محدود و به مفهوم مجموعه ای از انواع ، مانند : دواجات ، سبزیجات ...)
ون : (با واژه های وارداتی عربی مربوط به انسان)

ین : (با واژه های وارداتی عربی مربوط به انسان)

ات : (با واژه های وارداتی عربی که در فارسی معمولاً به مصوت "e" ختم می شوند و نیز با تعداد معدودی از واژه های فارسی)

جمع مکسر : (با واژه های وارداتی عربی . البته نشانه ای ندارد)

نشانه های جمع فارسی به خوبی می توانند درواژه های عربی ، جانشین نشانه های جمع عربی شوند .

ضمیر : عنصر ضمیر می تواند در جایگاه گروه اسمی در يك یا چند جمله پی در پی جانشین اسم شود . عناصر دستگاه ضمیر عبارتند از :

ضمیر شخصی : گسسته (مفرد من ، تو ، او) ، (جمع ما ، شما ، ایشان)

اول شخص ، دوم شخص ، سوم شخص

ضمیر شخصی : پیوسته (مفرد - م ، - ت ، - ش) ، (جمع - مان ، - تان ، - شان)

اول شخص ، دوم شخص ، سوم شخص

ضمیر مشترك : (خودم - خودمان ، خودت - خودتان ، خودش - خودشان)

بدون ضمائر پیوسته نیز به کار می روند ، در این صورت اجزای این مجموعه عبارتند از : خود ، خویش ، خویشان .

این ها در جایگاه های گوناگون دیگر که غیر هم مرجع با نهاد باشند به کار می روند :

من خودم را در آینه دیدم . (خودم / هم مرجع با نهاد ، مفعول صریح)

من به خودم قول دادم . (خودم / هم مرجع با نهاد ، متمم)

ضمیر انعکاسی : اگر ضمیر مشترك در جایگاه مفعول صریح و یا متمم هم مرجع با نهاد بیاید (ضمیر انعکاسی) نامیده می شود ، مانند : من خودم را در آینه دیدم .

ضمیر تأکیدی : هرگاه ضمیر مشترك در جایگاه نهاد ، بدل ، وابسته اسمی ، متمم غیرها مرجع با نهاد یا مفعول صریح غیرهم مرجع با نهاد بیاید (ضمیر تأکیدی) خوانده می شود ،

مانند: خودم آنها را دیدم . (نهاد)

من خودم با آنها بودم . (بدل)

این کتاب **خودم** است . (وابسته اسمی)

او کتاب را به **خودم** داد . (متمم غیرهم مرجع با نهاد)

ضمیر متقابل : (یکدیگر ، همدیگر ، هم) نوعی ضمیر انعکاسی است که تنها با نهاد .

جمع در جایگاه مفعول و نهاد و متمم به کار می رود ، مانند : آنان **یکدیگر** را دیدند .

ضمیر اشاره : (این ، آن) در تمامی جایگاه های گروه اسمی می آید .

ضمیر پرسشی : (مه ، چه ، کدام و) در تمامی جایگاه های گروه اسمی می آید .

ضمیر مبهم (نا مشخص) : (کسی ، فلانی ، بعضی ، همه ، هیچ ، دیگران و در تمامی جایگاه های گروه اسمی ظاهر می شود.

تحلیلهای مختلف از ساخت گروههای حاوی اسم

سنت متداول در تحلیل گروههای واژگانی عمدتاً این بود که هر مقوله واژگانی، خود، یک هسته در نظر گرفته شود که به همراه وابسته هایش (**متمم و افزوده**) یک گروه واژگانی نظیر گروه اسمی ، گروه صفتی گروه قیدی و گروه فعلی تشکیل میدهند. اما با مطرح شدن و پررنگ شدن بحث گروههای نقشی و برخی اشکالات که در تحلیل گروههای اسمی به وجود آمد، برخی صاحب نظران، مقوله نقشی حرف تعیین را به عنوان هسته گروه در نظر گرفتند و سازههای اسمی را بعنوان گروه حرف تعیین نامیدند. در دو دهه اخیر ارائه نظریه گروه نقشی حرف تعیین در نحوه تحلیل گروه اسمی تحول عمدهای پدید آورده است ۱ .

(**ما باید گروه حرف تعیین**) را ناظر بر گروه اسمی در نظر بگیریم. به عقیده وی، این هسته، یک گروه اسمی را به عنوان متمم خود برمیگزیند. بریم در نهایت تا آنجا پیش میرود که وجود گروه اسمی را غیرضروری میداند چرا که فرافکنی هسته حرف تعیین، یک گروه حرف تعیین کنیید . ۲

یای نکره تحلیل صرفی همانطور که پیشتر اشاره شد، نامگذاریها و تحلیل هایی که در دستور سنتی برای تکواژ موسوم به یای نکره بعد از اسم در زبان فارسی ارائه شده است اغلب به کارکرد معنایی آن پرداخته اند و این بحث را مطرح کرده اند که آیا این تکواژ، اسم را معرفی میکند یا نکره. برخی همچون ۳ آن را یای نکره دانسته اند .

در تحلیل بسیاری از این زبانشناسان و دستور پژوهان، تکواژ به اسم متصل شده و آن را ناشناس (**نکره**) میکند.

این تعریف بیشتر از جنبه ساختوازی و معنایی به اسم نکره میپردازد و تقریباً هیچ نقش نحوی برای آن قائل نیست. در این میان، برخی تمام کاربردهای یای نکره را یکسان میدانند و برخی

برای آن انواعی در نظر میگیرند. گیوی و انوری ۴ را در انواع گروههای اسمی، نشانه نکره (و گاه در اسامی مفرد، وحدت) میخوانند و اسم مردی در جمله مردی آمد را اسم نکره میخوانند. (۵) نیز این عنصر را يك تكواژ صرفی و نشانه نکره میداند. اما وي اشارهای به ساخت درونی گروههای اسمی دارای تکواژ نکره نمیکند. (۶) و بسیاری دیگر نیز صرفاً از این عنصر به عنوان تکواژ یا نشانه نکره یاد میکنند. اما هنگامی که گروههای اسمی با وابسته پسین از نوع بند موصولی را در نظر میگیریم، درمیابیم که عنوان نکره برای چنین اسمهای نامناسب است.

1. باید مدرسه ای برای پسر پیدا کنم

2. مدرسه ای که برای پسر انتخاب کرده ام خیلی به خانه نزدیک است.

در مثال ۱ اسم مدرسه را میتوان نکره نامید اما چنان که مثال ۲ نشان میدهد بند موصولی پس از هسته اسمی عملاً آن را معین کرده و از حالت نکرگی خارج نموده است. تضادهایی این چنین از قدیم ذهن بسیاری از دستوریان را به خود مشغول کرده و تردیدهایی را در نامگذاری این تکواژ به وجود آورده است. (۷) بین یای نکره، یای وحدت و یای تخصیص نکره همانند مثال ۲ تمایز قائل شده و در جملههای مانند در زیر آن را یای اشارهای یا یای تعریف نامیده است.

مردی که دروغ گوید او را تنبیه کن. (۸)، با تمایز نهادن بین یای وحدت، یای نکره و یایی که به اسم قبل از بند موصولی میچسبد، آن را پسوند ارجاعی یا اشاره مینامد. او با ارائه مثال زیر، هسته این گروه اسمی را دارای حالت معرفه میدانند.

حرف اضافه

عناصری نحوی هستند که در جلوی گروه اسمی در جایگاه های گوناگون نحوی غیر از نهاد و مفعول صریح ممکن است ظاهر شود. برخی از این حروف عبارتند از: از، با، به، بر، بی، تا، جز، به وسیله، برای و.....

گروه های حرف اضافه در نظریه پردازیهایی نحوی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. در دستور نقش و ارجاع، این گروهها به سه دسته افزوده، نشانگر موضوع، و موضوع افزوده تقسیم میشوند. (۹)

در دسته اول، این گروهها در قالب ادات ایفای نقش میکنند.

در دسته دوم، گروه حرف اضافه یکی از موضوعهای محمول میباشد.





در دسته سوم، حرف اضافه نشانگر موضوع برای محمول است اما بر معنای بند نیز میافزاید.

نوشتار حاضر نشان میدهد که گروه حرف اضافه ای در زبان فارسی دارای کارکردهای مختلفی است و علاوه بر نقش ادات، میتواند به منزله نشانگر موضوع در ساختهای دومفعولی و گاهی به عنوان مفعول مستقیم و برخی نقشهای دیگر به کار رود.

در این جستار، گروههای حرف اضافه ای نشانگر موضوع، با توجه به افعالی که با آنها تظاهر مییابند، به ده دسته تقسیم شده اند.

گروه حرف اضافه ای همراه با فعلهای ناگذر حرکتی، گروه حرف اضافه ای مکانی و غیرمکانی همراه با فعل ربطی، و گروه حرف اضافه ای در ساختارهای فعل سبک فارسی از دیگر مواردی است که، در این پژوهش، بررسی شده است. (۱۰)

گروه حرف اضافه ای یکی از سازه های پریسامد زبان فارسی است و در جمله های مختلف زبان به عنوان سازه ای مستقل یا سازه های وابسته کاربرد دارد.

در جمله های زیر، نقشهای مختلف گروه حرف اضافه ای به عنوان سازه ای مستقل نشان داده میشود

1. او در کتابخانه درس میخواند .

2. ایران به دانشمندان خود مینازد.

3. این پارچه از ابریشم است.

4. ما از دشمن فریب نمیخوریم.

5. آن پسر کتاب را به دوستش داد.

6. اهل محل به او پهلوان میگفتند .

گروه حرف اضافه ای به منزله وابسته گروههای اسمی، صفتی، و قیدی نیز به کار میرود؛ مانند نمونه های زیر:

7. مصاحبه با بزرگان فرهنگ و ادب ضروری است. (وابسته گروه اسمی)

8. علی بلندتر از برادر بزرگ خود است. (وابسته صفت)

9. او بیشتر از من مطالعه میکند. (وابسته قید) (دیدگاههای دستورنویسان درباره

گروههای حرف اضافه ای زبان فارسی متفاوت است و، همانگونه که اشاره خواهد شد، در این زمینه اختلاف نظر دارند).



در دستور نقش و ارجاع **Grammar Reference and Role** دسته بندیای از گروههای حرف اضافه ای ارائه شده که مطرح کردن آند . (۱۱)

گروه فعلی

مجموعهء يك يا چند واحد نحوی کوچکتر است و عنصر اصلی آن را فعل تشکیل می دهد و در جایگاه گزاره قرار می گیرد . درگروه فعلی ممکن است به همراه فعل اصلی ، عناصر فعلی دیگری نیز به کار رود ، مانند :

می توان رفت

رفته بود

باید برویم

باید بشود

رفت و در گروه فعلی ، مسند و متمم و گروه اسمی و مفعول نیز جای می گیرند . ساختمان گروه فعلی بر حسب واحدهای نحوی که آن را می سازند به یکی از شکل های زیر می تواند باشد :

مسند + فعل رابط — بیدار + است .

.... داریوش + است .

مسند - صفت ، گروه اسمی

متمم اسمی + فعل رابط — از چوب + است .

متمم قیدی + فعل رابط — درخانه + است .

فعل لازم — رفت

گروه اسمی + (را) + فعل متعدی — کتاب + را + خواند .

متمم / گروه اسمی + (را) + حرف اضافه + گروه اسمی + فعل متعدی —

حرف اضافه + گروه اسمی + گروه اسمی + (را)

... کتاب + را + به + برادرش + داد

... برای + داریوش + کتاب + را + آورد .

مفعول صریح + را + متمم مفعولی + فعل متعدی — ... پرویز + را + دانا + می دانم

فعل + جملهء وابسته - ... دید + که آنها رفتند .

گفتم + از خانه بیرون برود .

صورت واژه های فعل از نظر ساختمان واژگانی از همه یا چند عنصر زیر تشکیل می گردد:



پایه : که همان بن یا ریشه فعل است و اساس هر فعل را بنا می کند :خوان (از خواندن)
رو از (رفتن) ، بین (از دیدن) و.....

نشانه زمان : نشانه حال : صفر Ø

نشانه گذشته : ید ، اد ، د ، ت — دید ، افتاد ، بود ، رفت .

پی بند صفت مفعولی : /e / در ماضی نقلی و ماضی بعید - رفت + - است

رفت + - بود .

شناسه : شخص و شمار را نشان می دهد و عبارت است از : - م ، ی ، د ، یم ، ید ، ند .

نشانه نفی : /na / و /ne/ — نرو ، نمی گویم .

پیشوند فعلی : /mi/ ، /bo/ ، /be/ ، /bi/ — می روم ، برو ، بگو ، بیا .

پی بند رابط : /am / ، /i/ ، /ast/ ، /im / ، /id / ، /and/ این ها در ساختمان

فعل ماضی نقلی به کار می روند .

فعل کمکی : بود (در ماضی بعید) ، باش (در ماضی التزامی) ، خواه (در آینده) ،

داشتن (در فعل های مستمر یا ملموس که شکلی از استمراری هستند ، مانند (داشتم می

رفتم) و (دارم می روم) . شدن (در فعل مجهول) . این ها در صورتی کمکی هستند که

به همراه شکلی از فعل اصلی به کار روند .

عنصر سببی : /an / که به پایه فعل افزوده می شود و نشان می دهد که فاعل سبب می

شود تا شخصی دیگر کار را انجام دهد ، مانند : خوردن - خوراندن ، پریدن - پراندن

نشانه ماضی در فعل سببی : /d/ (د) است ولی ممکن است به صورت /id/ (ید) نیز ظاهر

شود ، مانند : خوراندن ، دوانیدن ، پرانیدن . البته همه فعل ها عنصر سببی نمی گیرند .

عنصر وجه : اخباری ، التزامی ، امری

عنصر نمود : کامل ، استمراری

نتیجه گیری

در این پژوهش برای نخستین بار تحلیل کاملی از جایگاه و کاربرد نحوی و شیوه نمایش

عنصر موسوم به نکره ارائه و ثابت شد میتوان در تمام سازه هایی که حاوی این عنصر

هستند ، به وجود يك مقوله نقشی قائل شد که با عنوان گروه نقشی نکره دارای فرافکنی کامل

منطبق با انگاره های دستور زایشی و به ویژه برنامه کمینه گراست . همانطور که عنوان شد ،

نامگذاری این مقوله به عنوان نکره صرفاً دلایل عملی دارد و مسائل معناشناختی ، گفتمانی

و کاربردشناختی در این نامگذاری مد نظر نیست .

این مقوله به ویژه مشکلاتی را که در تحلیل ساخته ای گروههای اسمی گسترده با وابسته های پسین متعدد وجود دارد و اغلب در پژوهشهای پیشین ناگفته باقی مانده بود حل میکند. بر این اساس، گروه نقشی نکره به عنوان يك گروه هسته پایانی، گروه اسمی را به عنوان متمم خود و گروه متمم نما (بند موصولی) یا گروههای حرف اضافه ای و صفتی را به عنوان افزوده انتخاب میکند.

هوامش

- (۱) ر.ك: مشکوة الدیني، ۱۳۸۷
- (۲) مشکوة الدیني، ۱۳۸۷: ۳۲۵
- (۳) همایونفرخ (۱۳۳۹): ۱۷۶
- (۴) ۱۳۸۹: ۶۴ و ۲۱۹-۲۲۴
- (۵) مشکوة الدیني ۱۳: ۱۷
- (۶) وحیدیان ۱۳۷۹: ۹۲
- (۷) معین ۱۳۴۱: ۷
- (۸) معین، ۱۳۴۱: ۲۳
- (۹) ارزنگ، غلامرضا ۱۳۷۴
- (۱۰) خیامپور، عبدالرسول ۱۳۸۴
- (۱۱) ارزنگ، غلامرضا ۱۳۷۴

مصادر و منابع

- ارزنگ، غلامرضا ۱۳۷۴. دستور زبان فارسی امروز، تهران: قطره.
- باطنی، محمدرضا ۱۳۷۴. توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- خیامپور، عبدالرسول ۱۳۸۴. دستور زبان فارسی، تهران: ستوده.
- دبیرمقدم، محمد ۱۳۸۸. پژوهشهای زیانشناختی فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- غلامعلیزاده، خسرو ۱۳۷۴. ساخت زبان فارسی، تهران: احیای کتاب.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران ۱۳۷۳. دستور زبان فارسی (پنج استاد)، تهران: ناهید.
- شکوة الدیني، مهدی ۱۳۸۷. دستور زبان فارسی، واژگان و پیوندهای ساختی، تهران: سمت.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی ۱۳۷۹. دستور زبان فارسی، تهران: سمت

Sources

- Arzhang, Gholamreza 1995. Persian Grammar Today, Tehran: Ghatre.
- Batani, Mohammadreza 1995. Description of the grammatical structure of the Persian language, Tehran: Amirkabir.
- Khayampour, Abdolrasoul 1995. Persian Grammar, Tehran: Sotoudeh.
- Dabirmoghaddam, Mohammad 2009. Persian Linguistic Research, Tehran: University Press.
- Gholamalizadeh, Khosrow 1995. Persian Language Structure, Tehran: Revival of the Book
- Gharib, Abdolazim and colleagues 2004. Persian Grammar (Five Masters), Tehran: Nahid.
- Shokveheddin, Mehdi 2008. Persian Grammar, Vocabulary and Structural Connections, Tehran: Samat.
- Vahidian Kamyar, Taghi and Gholamreza Omrani 2000. Persian Grammar, Tehran: Samat

